

**۳۱- بحران معناداری زندگی منجر به چه نتیجه‌ای در قرن ۲۰ و ۲۱ میلادی شد؟**

کلمه پاسخ: باعث ظهور فیلسوفانی شد که درعین اعتقاد راسخ به خدا به جای ذکر دلایل اثبات وجود خدا، به رابطه میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه کردند و نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدأ خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلأ معنایی و پوچی آزار دهنده‌ای می‌شود.

**۳۲- منظور از زندگی معنادار چیست؟**

کلمه پاسخ: یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش‌های اخلاقی که انسان را نسبت به آینده مطمئن می‌کند و آرامشی برتر به او می‌دهد.

**۳۳- درباره کاتینگهام و اعتقاد او درباره خدا و معنای زندگی توضیح دهید. (نهایی: دی ۱۴۰۰)**

کلمه پاسخ: قبول خدا: ۱. زندگی ما را در بستری قرار می‌دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می‌سازد. ۲. این امید را می‌دهد که به جای احساس افتادن در جهانی بیگانه که هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می‌توانیم مأمون و پناهگاهی بیابیم. در کتاب خود اشاره می‌کند که پس از سیر نزولی استدلال‌های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی فیلسوفان درصدد معرفی خدا به عنوان عامل اصلی معنابخشی به زندگی بودند.

**سؤالات خط به خط درس ششم****۱- اعتقاد به خدا در فرهنگ ایران باستان چگونه اعتقادی بوده است؟**

کلمه پاسخ: اعتقاد به خدا به عنوان خالق هستی که جهان را براساس حکمت و عدل آفریده، در فرهنگ ما سابقه دیرینه دارد و گزارش‌های تاریخی و داستان‌های اسطوره‌ای از ایران قبل از باستان، یعنی پیش از حکومت مادها و هخامنشیان نشانگر باور و اعتقاد به چنین خدایی است.

**۲- سهروردی درباره اعتقاد فیلسوفان ایران باستان درباره خدا چه گزارشی ارائه داده است؟**

کلمه پاسخ: سهروردی، فیلسوف بزرگ دوره اسلامی معتقد است که حکمای قبل از ایران باستان علاوه بر حکمت با عرفان هم آشنا بودند و خدا را نور هستی می‌دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده‌ها را خلق می‌کند و ظاهر می‌سازد. آنان خداوند را نورالانوار می‌نامیدند.

**۳- بحث فیلسوف تا چه زمانی یک بحث فلسفی محسوب می‌شود؟**

کلمه پاسخ: بحث فیلسوف درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفی (استدلال عقلی محض) تجاوز نکند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.

**۴- آیا فیلسوف لزوماً نباید دارای هیچ عقیده‌ای باشد؟ توضیح دهید. (نهایی: شهریور ۱۴۰۰)**

کلمه پاسخ: دکارت و کانت با اینکه مسیحی بودند اما با روش فلسفی به اثبات خدا پرداختند. ابن سینا و فارابی هم در کتب خود با روش عقلی درباره اثبات خدا سخن گفته‌اند. پس فیلسوف کسی نیست که هیچ دین و آیینی ندارد. فیلسوف معتقد به خدا نیز از طریق قواعد فلسفی و استدلال، به خدا اعتقاد پیدا کرده و از همین طریق از عقیده خود دفاع می‌کند.

**۵- نظر فیلسوفان مسلمان درباره امکان اثبات وجود خدا را در مقایسه با فلاسفه اروپایی توضیح دهید. (نهایی: فرورداد ۹۹)**

کلمه پاسخ: فیلسوفان مسلمان از فارابی تا ملاصدرا و فلاسفه معاصر نظرشان بر این است که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است. فلاسفه مسلمان سعی کرده‌اند استدلال‌های طرح شده را با بیانی بسیار دقیق، توضیح دهند یا استدلالی جدید ارائه کنند.

**۶- استدلال فارابی بر محال بودن تسلسل نامتناهی علل را بیان نمایید.**

کلمه پاسخ: مقدمه ۱: اگر معلولی که اکنون موجود است معلول علتی باشد که آن علت هم معلول علتی دیگر باشد و سلسله این علت و معلول‌ها اگر تا بی‌نهایت پیش برود، تسلسل علل نامتناهی پیش می‌آید.

مقدمه ۲: تسلسل علل نامتناهی محال است (هیچ‌گاه پیش نمی‌آید) نتیجه: سلسله علت‌ها و معلول‌ها تا بی‌نهایت نمی‌رود.

**۷- درباره علت محال بودن تسلسل علل نامتناهی توضیح دهید.**

کله پاسخ: اگر بخواهد سلسله علت‌ها تا بی‌نهایت به عقب برود و هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، آغاز و ابتدایی در کار نخواهد بود و اصلاً چیزی پدید نمی‌آید تا نوبت به معلول کنونی برسد. به عبارت دیگر: نتیجه بی‌نهایت بودن تعداد علت‌ها ← وجود بی‌نهایت پدیده، قبل از معلول کنونی؛ که چنین چیزی محال است.

**۸- برای استدلال فارابی یک مثال بیان نمایید.**

کله پاسخ: اگر بخواهیم تعدادی آجر را روی سطحی صاف به صورت مورب قرار دهیم باید اولین آجر به یک ستون تکیه کند.

**۹- استدلال فارابی در اثبات وجود خدا بر اساس چیست؟**

پاسخ: این استدلال بر اساس تقدم علت بر معلول و محال بودن تسلسل علل نامتناهی است.

**۱۰- استدلال فارابی در اثبات وجود خدا را بیان نمایید.**

(نهایی: فرورداد ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰)

کله پاسخ: مقدمه ۱: در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست (معلول چیزهای دیگرند)  
مقدمه ۲: هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می‌دهد. (یعنی فقط اگر علت باشد، معلول هم بوجود می‌آید)  
مقدمه ۳: اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم معلول علتی دیگر است و به جایی ختم نشود، تسلسل علل نامتناهی پیش می‌آید که محال است.  
نتیجه: سلسله علت‌های جهان منتهی به علتی می‌شود که خودش نیازمند علتی نیست.

**۱۱- ابن سینا چه اعتقادی درباره برهان فارابی در اثبات خدا دارد و خودش چه تلاشی در این زمینه داشته است؟**

کله پاسخ: ابن سینا برهان فارابی را درست و کامل می‌داند اما می‌کوشد با استفاده از دو مفهوم وجوب و امکان، برهان کامل‌تری ارائه کند.

**۱۲- استدلال ابن سینا در اثبات وجود خدا (برهان وجوب و امکان) را بیان نمایید.**

(نهایی: شهریور ۹۹، فرورداد ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۰)

کله پاسخ: مقدمه ۱: موجودات جهان، در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی هستند. (می‌توانند باشند، می‌توانند نباشند) (ذاتاً ممکن)  
مقدمه ۲: ممکن بالذات برای اینکه از حالت تساوی وجود و عدم خارج شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است. (موجودی که وجود، ذاتی اوست)  
موجودات جهان، به واجب الوجودی بالذات وابسته‌اند تا آنها را از حالت امکانی خارج کند.

**۱۳- طبق نظر ابن سینا، محدود بودن یا نبودن تعداد موجودات جهان یا مجموعه بودن یا فرد بودن آنها چه تأثیری در ممکن****الوجود بودن آنها دارد؟ او موجودات جهان را چه نامیده است؟**

(نهایی: فرورداد ۹۹)

کله پاسخ: بنابر بیان ابن سینا، اشیای جهان، چه تعدادشان محدود باشد چه نامحدود چه کل آنها را یک مجموعه در نظر بگیریم چه به فرد فرد آنها توجه کنیم، چون ذاتاً ممکن الوجود هستند به واجب الوجود بالذات نیاز دارند که آنها را از حالت امکانی خارج و وجود برایشان ضروری شود. ابن سینا نام آنها را واجب الوجود بالغیر نامیده است.

**۱۴- فلاسفه بعد از ابن سینا، برهان او در اثبات واجب الوجود را چگونه برهانی می‌دانستند؟ چه نامی برای آن برگزیدند؟**

کله پاسخ: بعد از ابن سینا، فلاسفه، برهان او را در اثبات واجب الوجود برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خدا دانسته و آن را «برهان وجوب و امکان» نامیده‌اند.

**۱۵- توماس آکوئیناس در رابطه با برهان وجوب و امکان ابن سینا چه کرد؟**

کله پاسخ: توماس آکوئیناس که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن سینا تبعیت می‌کرد، این برهان را در اروپا گسترش داد که مورد قبول بسیاری قرار گرفت.

**۱۶- در جهان اسلام چه فلاسفه‌ای از برهان ابن سینا استفاده کردند؟ چه کسی آن را ارتقا بخشید؟**

کله پاسخ: فلاسفه‌ای مانند بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی از این برهان استفاده کرده‌اند. ملاصدرا، این برهان را ارتقا بخشید.

**۱۷- منظور از نظریه امکان فقری (فقر وجودی) ملاصدرا چیست؟**

(نهایی: فرورداد ۹۹، شهریور ۹۹، دی ۹۹، دی ۱۴۰۰)

کله پاسخ: ملاصدرا براساس مبانی فلسفی خود بیان کرد که همه موجودات عین وابستگی هستند و «وابستگی» و «نیازمندی به غیر» سراسر وجود واقعیات را گرفته است. او نام این وابسته بودن را «امکان فقری» نامید.

### ۱۸- استدلال ملاصدرا در اثبات وجود خدا که مبتنی بر نظریه امکان فقری است را بیان نمایید.

(نهایی: شهریور ۱۴۰۰)

کله پاسخ: مقدمه ۱: وقتی به موجودات پیرامون خود نگاه می‌کنیم می‌بینیم که وجودشان عین وابستگی و نیاز به دیگری است. مقدمه ۲: موجود وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشد که در ذات خود، نیازی به غیر نداشته باشد. نتیجه: موجودات جهان، وابسته به وجودی بی‌نیاز و غیروابسته (غنی بالذات) هستند.

### ۱۹- ملاصدرا وجود را چند گونه می‌داند؟

کله پاسخ: بنابر نظر ملاصدرا، وجود دو گونه است: ۱. وجود بی‌نیاز و غیروابسته ۲. وجودهای نیازمند و وابسته

### ۲۰- جهان هستی طبق نظریه امکان فقری، چگونه جهانی است؟

(نهایی: فرورد ۱۴۰۰)

کله پاسخ: جهان طبق نظریه امکان فقری، یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود استقلالی ندارد. اگر ذات الهی آئی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می‌گردند و نور آنها خاموش می‌شود.

### ۲۱- فلاسفه مسلمان تأثیر اعتقاد به خدا را در زندگی انسان به چه چیزی تشبیه می‌کنند؟ توضیح دهید.

کله پاسخ: فلاسفه مسلمان تأثیر اعتقاد به خدا در معنابخشی به حیات بشری را تشبیه به وجود و نقش آب در حیات جسمانی می‌دانند. بشر ابتدا از طریق حواس بی به وجود آب می‌برد و آن را واقعی می‌یابد؛ سپس این آب واقعی را می‌نوشد و اینجاست که سیراب می‌شود. موضوع خدا نیز اینگونه است؛ یعنی ابتدا باید وجود خدا را از طریق عقل پذیرفت و سپس با او ارتباط معنوی برقرار کرد و یک زندگی معنادار را سامان داد.

### ۲۲- طبق دیدگاه فلاسفه مسلمان، اعتقاد به چگونه خدایی می‌تواند به زندگی معنا دهد؟

کله پاسخ: اعتقاد به خدایی می‌تواند به زندگی معنا دهد و انسان را به مرتبه‌ای برتر از زندگی وارد کند، که واقعا او را از یک راه معقول و درست پذیرفته باشد. (هرکس به اندازه قدرت فکری خودش) فیلسوف الهی با پذیرش وجود خدا، از معیارهای زندگی برتر برخوردار می‌شود.

### ۲۳- معیارهای یک زندگی معنادار از نظر فیلسوف مسلمان چیست؟ اهمیت این معیارها تا چه حد است؟

(نهایی: دی ۹۸، فرورد ۹۹، شهریور ۹۹، دی ۱۴۰۰)

کله پاسخ: ۱. جهان را غایتمند یافتن و آن را توضیح دادن؛

۲. انسان را موجودی هدفمند دانستن و مشخص کردن این هدف؛

۳. قائل شدن گرایش به خیر و زیبایی برای انسان و این که خیر و زیبایی خیالی نیست و در یک حقیقت متعالی وجود دارد؛

۴. درست و معتبر دانستن آرمان‌های مقدس و فراتر از زندگی مادی؛

۵. احساس تعهد و مسئولیت در برابر یک وجود متعالی و برتر.

میزان اهمیت این معیارها در حدی است که اگر فیلسوفی نتواند وجود چنین خدایی را اثبات کند، امکان پذیرش پنج گزاره فوق را از دست می‌دهد.

### ۲۴- در بیان ابن سینا در اثبات خدا، چگونه می‌توان معیارهای پنجگانه یک زندگی معنادار را مشاهده کرد؟

کله پاسخ: ابن سینا که وجود خدا را با دلایل فلسفی اثبات کرد در عین حال توصیفی مبتنی بر عشق از رابطه خدا، جهان و انسان ارائه می‌دهد که می‌تواند برخی از عناصر پنج‌گانه زندگی معنادار را تأمین کند.

### ۲۵- ابن سینا چه تعریف و تعبیری از «عشق» دارد؟

(نهایی: فرورد ۹۹)

کله پاسخ: هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و برحسب فطرت، از بدی‌هاگریزان است. این اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق نام دارد.

**۲۶- بیان ابن سینا درباره عشق نشان دهنده چیست؟**

کله پاسخ: این بیان ابن سینا نشان می‌دهد عشق به خیر و زیبایی اختصاص به انسان ندارد و هر موجودی در این جهان بهره‌مند از جاذبه عشق الهی است و اوست که چنین عشقی را در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده است.

**سوالات خط به خط درس هفتم****۱- هریک از مفاهیم «ایمان»، «عشق و شهود» و «عقل» تداعی‌گر چه چیزی هستند؟**

کله پاسخ: مفهوم «دین» با «ایمان» گره خورده و مفهوم «عرفان» با «شهود و عشق» و مفهوم «فلسفه» با «عقل و عقلانیت».

**۲- چه ارتباطی میان «عقل» و «فیلسوف» وجود دارد؟**

کله پاسخ: معمولاً از فیلسوفان به عنوان مهم‌ترین مدافعان عقل یاد می‌کنند. وجه تمایز انسان از حیوان را عقل دانسته و «ناطق» در تعریف «انسان» به «حیوان ناطق» همان «عقل» است.

**۳- تاریخ فلسفه با تاریخ عقل چگونه پیوندی داشته است؟**

کله پاسخ: تاریخ فلسفه با تاریخ عقل پیوندی ناگسستنی دارد و تحولات معنا و محدوده عقل، در تحولات فلسفه تأثیر گذاشته است.

(نهایی: شهریور ۱۴۰۰)

**۴- انسان با قدرت عقل خود چه فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد؟**

کله پاسخ: عقل یک توانمندی در انسان است که به کمک آن:

۱. استدلال می‌کند و از طریق آن به دانش‌هایی می‌رسد.
۲. با عقل درمی‌یابد چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست.
۳. چه کاری خوب است و باید انجام دهد و چه کاری بد است و نباید انجام دهد.
۴. پی می‌برد کدام سخن و رفتار درست و کدام نادرست است.
۵. می‌تواند بداند کدام دین و مکتب سعادت‌بخش است.

**۵- از نظر فیلسوفان، توانمندی عقل چگونه توانمندی‌ای است؟ این توانمندی در کودکی چگونه است و چگونه به فعلیت می‌رسد؟**

کله پاسخ: از نظر فیلسوفان، این ابزار یک توانمندی فوق‌العاده است، ابتدای کودکی به صورت یک استعداد وجود دارد که باید با تربیت و تمرین به فعلیت برسد و کودک توانایی استدلال و تفکر را به دست آورد.

**۶- از نظر فیلسوفان، در چه صورت عقل توانایی لازم را نمی‌تواند کسب کند؟**

کله پاسخ: اگر «تربیت عقلانی» به خوبی صورت نگیرد، عقل به توانایی لازم نمی‌رسد و نمی‌تواند به خوبی حق را از باطل و درست را از نادرست تشخیص دهد.

**۷- از نظر فیلسوفان، آیا توانایی تعقل در افراد یکسان است؟ توضیح دهید.**

کله پاسخ: توانایی افراد در تعقل متفاوت است؛ برخی قوی‌تر و برخی ضعیف‌تر هستند. اما همه می‌توانند با تمرین به درجات خوبی از عقلانیت دست یابند.  
\* پس انسان برای تشخیص سخن درست و حق از باطل، کار خوب از بد، راه درست از نادرست، پیشرفت علمی، مشخص نمودن دین حق از باطل و تصمیم‌گیری درست، در مرتبه اول باید از عقل خود استفاده کند. انتخاب افراد به عنوان مشاور یا کتاب برای مطالعه همگی به مدد عقل است

**۸- چرا معمولاً فلسفه را با عقل و استدلال عقلی همراه می‌دانند؟**

کله پاسخ: زیرا دانش فلسفه با استدلال‌های عقلی محض سر و کار دارد و استفاده از عقل در این دانش از سایر دانش‌ها بیشتر است.

(نهایی: فروردین ۱۴۰۰)

**۹- ویژگی‌های موجودات عالم عقول را بیان نمایید.**

کله پاسخ: ۱. موجوداتی که از جسم و ماده مجرند. ۲. در قید زمان و مکان نیستند. ۳. در افعال خود به ابزار مادی نیاز ندارند. ۴. با حواس ظاهری قابل مشاهده نیستند. ۵. علمشان شهودی است و به استدلال نیاز ندارند.